




A Study of the Institutionality of the Democratic Party of Iran (Qavam) Based on the Opinions of Samuel Huntington

Masoud Akhavan Kazemi  Associate Professor, Political Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

Shohreh Pirani*  Assistant Professor, Political Sciences, Shahed University, Tehran, Iran

Shahram Pirani  Ph.D Student, Political Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

Abstract


The democratic party of Iran (Qavam) was one of the parties formed after the fall of Reza Shah's government in Iran. The party was founded by the then prime Minister of Iran, Ahmad Ghavam. The democratic party initially expanded greatly with the support of Qavam, but later, the fortune star of the party declined, and finally with the removal of Qavam from the post of Minister, the democratic Party was dissolved. This study seeks to answer the question of whether the democratic Party of Iran had the characteristics of an institutionalized party? This study examines the institutional characteristics of the democratic party of Iran using Huntington's theories on institutionalization. This study also tries to study the causes of party inefficiency in the contemporary history of Iran by studying the Democratic Party. The research findings show that according to Huntington's characteristics, the Democratic Party lacked institutional features, and mainly due to the instability of parties in Iran, one can cite the lack of institutionalization of these organizations. The method used in this research is descriptive-analytical. Resources used in the research include library works, scientific journals and documents of prestigious contemporary history research centers.


Keywords: Democratic Party of Iran, Ahmad Ghavam, Tudeh Party, Democratic Party of Azerbaijan, Samuel Huntington.


* Corresponding Author: shahrampirani@gmail.com

How to Cite: Akhavan Kazemi, M., Pirani, S., Pirani, S., (2022), "A Study of the Institutionality of the Democratic Party of Iran (Qavam) Based on the Opinions of Samuel Huntington", *Political Strategic Studies*, 11(40), 39-65. doi: 10.22054/QPSS.2022.59940.2818

بررسی نهادمندی حزب دموکرات ایران (قوام) بر اساس آرای ساموئل هانتینگتون

مسعود اخوان کاظمی  دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

شهره پیرانی  استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

شهرام پیرانی*  دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده

حزب دموکرات ایران (قوام)، از جمله احزابی بود که در پی سقوط حکومت رضاشاه در ایران تشکیل گردید. این حزب توسط نخست وزیر وقت ایران، احمد قوام، بوجود آمد. حزب دموکرات در ابتدا بواسطه حمایت قوام، گسترش فراوانی یافت ولی در ادامه، ستاره اقبال حزب رو به افول نهاد و در نهایت با عزل قوام از نخست وزیری، حزب دموکرات نیز منحل شد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا حزب دموکرات ایران خصیصه‌های یک حزب نهادمند را دارا بوده است؟ این پژوهش با استفاده از نظریات هانتینگتون در باب نهادمندی، به بررسی شاخصه‌های نهادمندی حزب دموکرات ایران می‌پردازد. همچنین این پژوهش می‌کوشد با مطالعه حزب دموکرات، به بررسی علل ناکارآمدی احزاب در تاریخ معاصر ایران نیز بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بر مبنای شاخصه‌های هانتینگتون، حزب دموکرات فاقد ویژگی‌های نهادمندی بوده است و اساساً در مورد علل ناپایداری احزاب در ایران، می‌توان به فقدان نهادمندی این تشکل‌ها استناد نمود. روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. منابع مورد استفاده در پژوهش، شامل آثار کتابخانه‌ای، مجلات علمی و اسناد مراکز معتبر پژوهش تاریخ معاصر می‌باشند.

واژگان کلیدی: حزب دموکرات ایران، احمد قوام، حزب توده، فرقه دموکرات
آذربایجان، ساموئل هانتینگتون.

بیان مساله

سوم شهریور ۱۳۲۰ ه.ش از روزهای دردناک تاریخ معاصر ایران است. در این روز کشور بی طرف ایران مورد تهاجم متفقین قرار گرفت و شوروی و بریتانیا به ایران حمله کردند و به فاصله اندکی، ایران تحت اشغال متفقین قرار گرفت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷ الف: ۷۱). رضاشاه در روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ ه.ش طی نامه‌ای به مجلس شورای ملی (تحت فشار متفقین) از سلطنت استعفا داد و به جزیره موریس تبعید شد (خزایل، ۱۳۸۸: ۱۰۳). با عزل رضاشاه، محمدرضا شاه بجای پدرش بر تخت سلطنت نشست - با این شرط که از آن پس طبق قانون اساسی ایران، سلطنت کند و نه حکومت. شاه جوان مبارزه‌ای تدریجی را برای کسب مجدد اختیارات رضاشاه آغاز کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۷ ب: ۳۰۷). در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ ه.ش ایران شاید بیش از هر زمان دیگری به حکومت مشروطه سلطنتی نزدیک بود. طی این سال‌ها قوه مجریه در اختیار نخست وزیر و اعضای کابینه قرار داشت نه شخص شاه. از سقوط سلطنت نظامی رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ تا ظهور سلطنت نظامی محمدرضا شاه در مردادماه ۱۳۳۲ ه.ش قدرت بین پنج قطب جدا از هم یعنی دربار، مجلس، کابینه، سفارتخانه‌های خارجی و عامه مردم دست‌به‌دست می‌شد. علاوه بر این هر کدام از این مراکز قدرت نیز درگیری‌های داخلی خود را داشتند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۵۳).

اشغال ایران پیامدهایی گوناگونی برای ملت ایران داشت. با رها شدن نیروهای اجتماعی که تحت فشار رضاشاه بودند، فضای سیاسی برای گروه‌ها و بازیگران جدید پدید آمد و زمینه برای ظهور احزاب و دسته‌های سیاسی نوظهور فراهم شد. در سال‌های پس از فروپاشی دیکتاتوری رضاشاه؛ ده‌ها حزب، گروه و باشگاه سیاسی در سراسر کشور تشکیل شدند. بسیاری از این گروه‌ها که نام حزب را بر خود نهاده بودند، اولاً شرایط یک حزب را نداشتند زیرا به دلیل فقدان تجربه حزبی بر اساس تشکیلات منظم با اساسنامه و برنامه روشنی پایه‌گذاری نشده بودند. بسیاری از آنان در مدت زمانی اندک از میان رفتند. آنها یا از فعالیت دست می‌کشیدند و یا جای خود را به احزاب دیگری می‌دادند. ثانیاً بین چند حزب به غیر از رهبران، از لحاظ اهدافی که اعلام می‌داشتند تمایزی نبود. در این میان احزابی نیز وجود داشتند که در تغییر و تحولات سیاسی - اقتصادی تاریخ معاصر ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ نقش مهمی ایفا نمودند (نوذری،

۱۳۸۰: ۱۹). حزب دموکرات ایران (قوام) نیز در زمره این احزاب بود که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در اواخر عمر مجلس چهاردهم (۱۳۲۲-۱۳۲۴.ه.ش)، کشور با وضعیت آشفته‌ای روبرو بود. نفوذ روزافزون اتحاد جماهیر شوروی در ایران، عدم خروج نیروهای این کشور از خاک ایران پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، اوضاع درهم‌ریخته کردستان و تهدید قاضی محمد، تشکیل فرقه دموکرات در آذربایجان، اعلام خودمختاری توسط سید جعفر پیشه‌وری و قدرت‌گیری روزافزون حزب توده در سپهر سیاسی ایران همه از دلایلی بود که باعث پیچیدگی اوضاع ایران در آن مقطع زمانی شده و دورنمای مبهمی را برای آینده کشور ترسیم نموده بود. این وضعیت باعث شد که مجلس چهاردهم به دنبال شخصی مقتدر برای منصب نخست‌وزیری باشد تا اوضاع آشفته کشور را سروسامان بخشد و مملکت را از وضعیت بحرانی خارج سازد. در نهایت پس از کش‌وقوس‌های فراوان؛ مجلس، احمد قوام (۱۲۵۱-۱۳۳۴ تهران) را کاندیدای مناسبی برای این کار یافت و به نخست‌وزیری او رأی داد و او برای چهارمین بار نخست‌وزیر ایران شد. قوام در سال ۱۳۲۵.ه.ش تشکیلاتی را به نام "حزب دموکرات ایران" بوجود آورد. وی با تشکیل این حزب در اندیشه شکست نامزدهای طرفدار انگلیس در انتخابات مجلس پانزدهم و در عین حال ربودن فرصت‌های مناسب از دست عوامل حزب توده بود. در واقع برای تمامی افرادی که خطر حزب توده و احزاب چپ را برای خود حس می‌کردند، تشکیل حزب دموکرات مژده بزرگی بود. حزب دموکرات در اوایل تأسیس خود گسترش فراوانی یافت. این حزب توانست شعبات استانی، ناحیه‌ای و محلی، سازمان‌های زنان و جوانان و سازمان شبه‌نظامی خاص خویش را تأسیس نماید. هنگامی که در انتخابات مجلس پانزدهم، هشتاد کرسی این مجلس به دست کاندیداهای حزب دموکرات افتاد، این حزب به اوج موفقیت‌های خود دست یافت ولی شتابی که قوام برای تضعیف حزب توده و نیروهای سلطنت‌طلب داشت، باعث شده بود که وی افراد مختلفی را به داخل حزب بیاورد که این مسئله منجر به تضاد و شکاف فراوانی در درون حزب شده بود. این اختلافات و کناره‌گیری برخی افراد از عضویت در حزب دموکرات، باعث تضعیف قدرت حزب شده بود. در نهایت پس از عزل قوام از منصب نخست‌وزیری، شکاف‌های بیشتری در بین اعضای حزب پیش آمد که منجر به انحلال حزب شد. با توجه

به اینکه تحلیل‌های مختلفی در پژوهش‌های تاریخی متعدد در مورد حزب دموکرات قوام و دلایل ظهور و سقوط آن بعمل آمده است، این پژوهش می‌کوشد از زاویه دید جدیدی و با مبنا قراردادن نظریه نهادمندی ساموئل هانتینگتون، به واکاوی علل افول و ناپایداری حزب مذکور بپردازد. بدین ترتیب این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا حزب دموکرات ایران خصیصه‌های یک تشکیلات یا حزب نهادمند را دارا بوده است؟

پیشینه پژوهش

درباره حزب دموکرات ایران کتب و مقالات زیادی نگاشته شده‌اند که در ادامه به چند مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

* حمید شوکت (۱۳۸۵)، در کتاب "در تیررس حادثه"، به بررسی حوادث زندگی احمد قوام می‌پردازد. در قسمت‌هایی از کتاب بصورت گذرا به حزب دموکرات ایران اشاراتی می‌کند ولی به‌رغم اینها در این کتاب تحلیلی جامع از روند و چگونگی شکل‌گیری حزب دموکرات ایران ارائه نشده است.

* غلامحسین میرزا صالح (۱۳۹۱)، در کتاب خود با عنوان "خاطرات سیاسی قوام‌السلطنه"، به گردآوری خاطرات سیاسی قوام‌السلطنه پرداخته است. در بخش‌هایی از کتاب به بیان خاطرات و دلایل قوام از شکل‌گیری حزب دموکرات اشاره می‌شود. در این کتاب از دیدگاه شخص قوام به این قضیه نگریسته شده است و کتاب به بیان علل ناکارآمدی حزب دموکرات و اشتباهات قوام در این رابطه پرداخته است.

* پرواند آبراهامیان (۱۳۷۷)، در کتاب معروف خود، "ایران بین دو انقلاب"، نیز در برخی قسمت‌ها به بیان حوادثی از دوران صدارت قوام اشاره می‌کند. علی‌رغم اینکه کتاب فوق کتابی ارزشمند است ولی این کتاب به بیان حوادث تاریخ معاصر ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا سقوط حکومت محمدرضا شاه می‌پردازد و به طور ویژه به تحولات مربوط به شکل‌گیری حزب دموکرات ایران پرداخته است.

* سیمین فصیحی و مریم نوری امیرآبادی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان "نقش دوگانه حزب دموکرات ایران در مشارکت سیاسی زنان"، به بررسی نقش این حزب در ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت زنان در عرصه سیاسی ایران پرداخته است. این مقاله تنها از

یک بعد (مشارکت زنان) به بیان فعالیت این حزب پرداخته است و به تحلیل سایر جنبه‌ها و عملکردهای این حزب اشاره ننموده است.

* شهرام پیرانی و شهره پیرانی (۱۳۹۵)، "در کتاب فراز و فرود حزب دموکرات ایران"، به بررسی عوامل پیدایش و افول حزب دموکرات ایران پرداخته‌اند. نکته قابل توجه این کتاب این است که صرفاً جنبه توصیفی دارد و به بررسی عمیق دلایل عدم نهادمندی حزب دموکرات ایران اشاره چندانی نشده است.

* محسن مدیر شانه‌چی و علی زارعی (۱۳۹۴)، در کتاب "حزب دموکرات ایران و تحولات دهه ۱۳۲۰"، به بررسی نقش حزب دموکرات ایران در تحولات دهه ۱۳۲۰ ه.ش پرداخته‌اند. این کتاب تحلیلی جامع و علمی از دلایل عدم نهادمندی حزب دموکرات ارائه ننموده است.

در این پژوهش تلاش شده تا ضمن استفاده از نکات مطرح شده در پژوهش‌های فوق و سایر پژوهش‌های انجام شده در این مقوله، تحلیلی جامع از روند و دلایل شکل‌گیری حزب دموکرات ارائه گردد و بویژه با تمرکز بر عوامل افول و فروپاشی این حزب، تحلیلی جدید از منظر تئوری نهادمندی هانتینگتون در این زمینه ارائه نماید.

چارچوب نظری

اصولاً حزب^۱ یک واژه عربی است که بهترین معادل آن در فارسی، گروه یا دسته بکار می‌باشد. درباره تعریف حزب میان اندیشمندان علوم سیاسی اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. هر یک از آنها حزب را بر اساس برداشت‌های علمی و یافته‌های تجربی خویش تعریف نموده‌اند (تبریزیا، ۱۳۷۷: ۲۵). حزب از منظر شناخت عام، مفهومی است که شامل هرگونه تجمع انسانی جانب‌دار، هدفمند و تشکل‌یافته می‌گردد (دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی کشور، ۱۳۷۹: ۲۱). احزاب را اغلب مهم‌ترین نهاد سیاسی در سیاست و حکومت نوین قلمداد کرده‌اند. آنها ابزاری برای تحکیم اقتدار حکومت‌ها، کانالی برای مشارکت نیروها و گروه‌های اجتماعی در صحنه سیاست، سازوکاری برای برانگیختن هواداری توده‌ها از مقاصد سیاسی نخبگان، حلقه‌ای برای پیوند دادن گروه‌های قومی، صنفی و مذهبی و وسیله‌ای برای تظاهر به مردمی بودن حکومت‌ها هستند. به همین دلیل

1. Party

کمتر نظام نوینی را می‌توان یافت که بدون وجود یک یا چند حزب عمل کند (حسینی، ۱۳۷۸: ۷). احزاب سیاسی همزمان با آیین‌های انتخاباتی و پارلمانی بوجود آمده‌اند و توسعه آنها توأمان صورت گرفته است (دوورژه، ۱۳۹۵: ۱۳۷). احزاب سیاسی بر بستر تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب جوانه زدند، تحول یافته و به کمال رسیدند. این سیورورت و تکوین که در فضایی کاملاً طبیعی صورت گرفت، پیوند عمیق و همه‌جانبه‌ای بین احزاب و محیط آنها بوجود می‌آورد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۹). رابرت میخلر^۱، ادموند برک^۲، دانیل لرنر^۳، جوزف لاپالومبارا^۴ و مایرون واینر^۵ از جمله اندیشمندانی هستند که به نظریه‌پردازی در باب احزاب پرداخته‌اند. مایرون واینر و جوزف لاپالومبارا از جمله افرادی هستند که پیدایی احزاب را با فرایند توسعه و نوسازی پیوند می‌دهند. به اعتقاد آنها ظهور و پیدایش احزاب مستلزم وجود حداقل دو شرط زیر است: اول، تحول در نگرش و دیدگاه‌های شهروندان به نحوی که به این نتیجه مهم دست یابند که باید از "حق دخالت در اعمال قدرت" برخوردار گردند. دوم، برخی از گروه‌های نخبه یا نخبگان قدرتمند خواستار کسب یا حفظ قدرت از طریق حمایت عمومی باشند (نوذری، ۱۳۸۱: ۶۵).

نهادمندی احزاب و بحران‌های مربوطه بر اساس نظریه هانتینگتون

ساموئل هانتینگتون^۶ در کتاب "سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی"، به چگونگی شکل‌گیری توسعه سیاسی و نقش نهادهای قدرتمند در شکل‌گیری آن پرداخته است. وی در چارچوب دیدگاه نوسازی؛ وجود نهادهای پایدار، قدرتمند و مستقل از یکدیگر از جمله احزاب سیاسی را شرط ضروری توسعه سیاسی می‌داند. زیرا به باور هانتینگتون توسعه متضمن عقلانی شدن اقتدار، تنوع ساختارهای سیاسی و بخصوص مشارکت است (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۷۵). در این میان، احزاب سیاسی برای سامان دادن و ساخت بخشیدن به مشارکت سیاسی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. وی تا آنجا پیش

1. Robert Michels
2. Edmund Burke
3. Daniel Lerner
4. Joseph Lapalombara
5. Myron Weiner
6. Samuel P. Huntington

می‌رود که احزاب سیاسی را نهاد متمایزکننده جامعه مدرن از سنتی می‌داند. همانگونه که عنوان شد، اصلاحات یا نوسازی می‌تواند منجر به تأسیس نهادهای جدید، حذف نهادهای دست‌وپاگیر و ایجاد یک سری تحولات جدید شود. در بیشتر کشورهای دستخوش نوسازی شده سده بیستم از جمله پاکستان دهه ۱۹۵۰ م، احزاب سیاسی به گردونه‌ای برای پیشرفت سیاستمداران تبدیل شده بودند. نوسازی از طریق به تحرک درآوردن گروه‌های جدید و دادن نقش‌های تازه به آنها، جامعه گسترده‌تر و متنوع‌تری را به بار می‌آورد. چنین جامعه‌ای غالباً جامعه "کثرت‌گرا" به شمار می‌رود که در برگیرنده گروه‌بندی‌های مذهبی، قومی، نژادی و زبانی است. چنین گروه‌بندی‌های مشارکتی ممکن است در یک جامعه، مسائل ناشی از عدم یکپارچگی آن را تقلیل دهد.

نوسازی، گروه‌های اجتماعی - اقتصادی را که در جامعه سنتی یا وجود نداشتند و یا در خارج از پهنه سیاست جامعه سنتی قرار داشتند، بوجود می‌آورد و به آنها آگاهی سیاسی می‌بخشد و به فعالیت سیاسی وامی‌دارد. او همچنین معتقد است که گسترش آگاهی و مشارکت سیاسی ناشی از نوسازی، همان عامل عامی است که به بار آورنده مسائل مربوط به یکپارچگی ملی و ادغام سیاسی است. جوامعی که توانسته‌اند نهادهای سیاسی نوین و وسیعی را ایجاد کنند و قادرند تا مشارکت سیاسی بسیار گسترده‌تری را نیز جذب نمایند، جوامع استوار به شمار می‌آیند اما در جوامعی که مشارکت سیاسی آنها از سطح نهادمندی سیاسی فراتر رفته باشد، آشکارا ناستوارند. از همین‌رو جوامعی که توانسته‌اند میان این دو عامل در سطحی بالا تعادل ایجاد نمایند استواری‌شان را تضمین کرده‌اند. چنین نظام‌های سیاسی از نظر سیاسی، نوین و توسعه یافته‌اند. این جوامع از نهادهایی برخوردارند که استعداد جذب نیروهای اجتماعی تازه را به درون نظام دارند و به همین دلیل می‌توانند با سطح بالارونده مشارکت سیاسی ناشی از نوسازی، خودشان را تطبیق دهند. از همین‌رو، استواری آتی جامعه‌ای که در سطح پایینی از مشارکت سیاسی بسر می‌برد، بیشتر به ماهیت نهادهای سیاسی بستگی دارد که آن جامعه با این نهادها یا مسئله نوسازی و گسترش مشارکت سیاسی روبرو می‌شود.

عمده‌ترین ابزارهای نهادی برای سازمان دادن گسترش مشارکت سیاسی، احزاب سیاسی و نظام حزبی‌اند. جامعه‌ای که در مرحله پایین مشارکت سیاسی، احزاب سیاسی متشکلی را پروارنده باشد (مانند هندوستان، اروگوئه، شیلی، ایالات متحده آمریکا و

ژاپن)، در مقایسه با جوامعی که احزابش در مرحله اخیر و طی فراگرد نوسازی سازمان گرفته‌اند، گسترش مشارکت سیاسی آنها به استواری سیاسی‌شان کمتر لطمه می‌زند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۷۷). نهادمند شدن، فراگردی است که سازمان‌ها و شیوه‌های عمل با آن ارزش و ثبات می‌یابند. سطح نهادمندی هر سازمان را می‌توان با معیارهایی همچون تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام آنها اندازه‌گیری نمود. اولین معیار نهادمندی، تطبیق‌پذیری است. تطبیق‌پذیری یک سازمان را می‌توان با عمر آن و نیز قابلیت تطبیق با دگرگونی‌ها اندازه گرفت (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۵).

دومین معیار نهادمندی در نظریه هانتینگتون، پیچیدگی است. به عقیده هانتینگتون هر چه یک سازمان پیچیده‌تر باشد، سطح نهادمندی آن بالاتر است. پیچیدگی هم مستلزم تعدد خرد واحدهای سازمانی از جهت سلسله مراتب و کارکردهاست و هم به تمایز انواع خرد واحدهای جداگانه سازمانی بستگی دارد. از این گذشته، سازمانی که مقاصد گوناگون دارد بهتر از سازمانی که تنها یک مقصود دارد، می‌تواند خود را با موقعیت‌های از دست رفتن یک مقصود تطبیق دهد. آن‌گونه سازمان سیاسی که وابسته به یک نفر باشد، ناپایدارترین سازمان سیاسی است (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۳).

سومین معیار نهادمندی در آرای هانتینگتون، درجه استقلال است. نهادمندی سیاسی از جهت استقلال آن به معنای رشد سازمان‌ها و شیوه‌های عمل سیاسی است، چندان که این سازمان‌ها دیگر بیانگر مصالح گروه‌های اجتماعی خاص نباشند. آن سازمان سیاسی که ابزار دست یک گروه اجتماعی خاص باشد از استقلال و نهادمندی بی‌بهره است (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۵). اگر بتوان این معیارها را تشخیص داد و اندازه‌گیری نمود آنگاه می‌شود با استفاده از همین معیارها افزایش یا کاهش نهادمندی سازمان‌ها و همچنین شیوه‌های عمل سیاسی آنها را اندازه‌گیری و مشخص ساخت. علاوه بر موارد گفته شده، هانتینگتون در جایی دیگر اظهار می‌دارد: «قدرت نهادی یک حزب در صورتی اثبات می‌شود که پس از کناره‌گیری یا مرگ رهبر فرهمندی که نخستین بار آن حزب را تأسیس و به قدرت رسانده است، آن حزب همچنان پابرجا بماند» (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۹۳). رهبران جنبش‌های سیاسی برای کسب و افزایش مشروعیت هر چه بیشتر سعی در بسیج اقشار مختلف مردم در شهرها و روستاها می‌کنند اما در عمل روند بسیج همواره سریع‌تر و به مراتب سهل‌تر از روند نهادمندی پیش می‌رود و شکاف ناشی از این

ناهماهنگی و در واقع پس ماندگی نهادهای سیاسی در مقایسه با بسیج و مشارکت سیاسی، زمینه را برای نابسامانی‌های سیاسی فراهم می‌سازد. از این پدیده می‌توان بعنوان بحران نهادمندی سیاسی نام برد. این پدیده اساساً در کشورهای جهان سوم بویژه کشورهایی که دست به نوسازی وسیع سیاسی می‌زنند، مشاهده می‌شود. نهادمندی احزاب سیاسی و تقویت و اصلاح آنها یکی از لوازم مبارزه با فساد است. این‌گونه اصلاحات باعث افزایش مشروعیت و ارزش نمایندگی احزاب سیاسی می‌شود که به نوبه خود اعتماد عمومی به دموکراسی را افزایش داده و اعتبار تلاش‌های ضد فساد را دوچندان می‌کند (Pellizzo, 2003: 23).

حزب دموکرات ایران (قوام) ۱۳۲۶-۱۳۲۵ ه.ش

سال ۱۳۲۴ ه.ش برای ملت ایران سالی پرتلاطم بود. جنگ جهانی دوم در بعضی از جبهه‌ها از شدت افتاده بود، ولی تبعات آن در اقصی نقاط ایران هویدا بود. قحطی و کمبود مواد غذایی از یک‌طرف و بیکاری از طرف دیگر، تمام طبقات را تحت فشار قرار داده بود و همه در تلاش برای تأمین زندگی خود بودند. در یازدهم شهریور ۱۳۲۴ ه.ش (۲ سپتامبر ۱۹۴۵ م) جنگ جهانی دوم رسماً پایان یافت و طبق توافقات قبلی، متفقین متعهد شده بودند که حداکثر ظرف شش ماه یعنی تا یازدهم اسفند ۱۳۲۴ ه.ش (۲ سپتامبر ۱۹۴۵ م)، نیروهای خود را از ایران بیرون ببرند. ولی دولت شوروی که در پی کسب امتیاز نفت شمال بود، از خروج نیروهای خود امتناع ورزید. در این میان با کمک دولت شوروی، در آذربایجان و کردستان حکومت‌های خودمختار تشکیل شد. دولت شوروی مانع از اعزام نیروهای ارتش ایران جهت سرکوب حکومت‌های خودمختار مذکور گردید. در واقع سیاستمداران شوروی با حمایت از تأسیس حکومت‌های خودمختار در آذربایجان و کردستان، در پی اعمال فشار بر دولت ایران برای کسب امتیازات نفتی موردنظر خویش بودند (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

قضایای آذربایجان و کردستان و خودداری دولت شوروی از تخلیه ایران، موجب شد تا دولت ایران به سازمان ملل شکایت نماید. گرچه بی‌گمان عوامل متعددی در وقوع این رخدادها دخالت داشت، ولی ارتباط آنها با مسئله نفت کاملاً محسوس بود. مجلس چهاردهم که در سال ۱۳۲۴ ه.ش چهار دولت را بر روی کار آورده و ساقط نموده بود،

در بهمن ماه همان سال به فکر دولت پنجم افتاد. اوضاع آشفته آن روز ایجاب می کرد کسی زمام امور را در دست گیرد که بتواند مشکلات کشور مخصوصاً مسئله آذربایجان را حل و فصل نماید. در نهایت در ششم بهمن ماه، مجلس شورای ملی تنها با یک رأی اضافه به نخست وزیری قوام رأی اعتماد داد (هوشنگ مهدوی، ب ۱۳۷۷: ۳۴۳). بلافاصله پس از معرفی دولت، قوام روز ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ ه.ش به شوروی رفت و مذاکراتی را با مولوتوف، وزیر خارجه شوروی، در مورد تخلیه ایران از قوای شوروی و سلب حمایت از حکومت های خودمختار آذربایجان و کردستان بعمل آورد.

در ۲۹ اسفند با ورود سادچیکف، سفیر جدید شوروی، به تهران مذاکراتی میان وی و قوام آغاز شد که تا ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ ه.ش به طول انجامید. در نهایت بین طرفین موافقت نامه ای امضا شد که بر اساس آن شوروی متعهد به تخلیه ایران گردید. همچنین مقرر شد که طرح تشکیل شرکت مختلط نفت ایران - شوروی به مدت ۵۰ سال به مجلس پانزدهم تقدیم گردد و در صورت تصویب مجلس به اجرا درآید (پسیان و معتضد، ۱۳۷۹: ۱۹۲). در ۸ تیرماه ۱۳۲۵ ه.ش احمد قوام بنا بر مصالحی که از لحاظ سیاسی تشخیص می داد، حزبی به نام حزب دموکرات ایران را بنیان نهاد. روز بیست و نهم تیرماه یعنی پس از بیست روز که از تأسیس حزب دموکرات ایران گذشت، هیئت مؤسس حزب دموکرات ایران که متجاوز از دویست نفر بودند، در یک نشست به اتفاق آرا احمد قوام را به سمت رهبر حزب دموکرات ایران برگزیدند (عاقلی، ۱۳۷۷: ۴۳۵). کمیته مرکزی حزب از دو گروه اشراف شمالی ضد انگلیس و روشنفکران تندرو غیر توده ای تشکیل می شد. اعضای گروه نخست عبارت بودند از: قوام، مظفر فیروز (۱۲۸۴ ه.ش تهران-۱۳۶۸ ه.ش پاریس)، محمدولی فرمانفرما (۱۲۶۹ ه.ش تهران-۱۳۶۸ ه.ش کالیفرنیا)، ابوالقاسم امینی (۱۲۸۴ ه.ش تهران-۱۳۶۸ ه.ش لندن) و سردار فاخر حکمت (۱۲۶۹ ه.ش شیراز-۱۳۵۶ ه.ش تهران). اعضای گروه دوم نیز عبارت بودند از: محمدتقی بهار (۱۲۶۵ ه.ش تهران-۱۳۳۰ ه.ش تهران)، محمود محمود (۱۲۶۱ ه.ش تبریز-۱۳۴۴ ه.ش تهران) و حسن ارسنجانی (۱۳۰۱ ه.ش تهران-۱۳۴۸ ه.ش رم) (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۸۷).

به گفته برخی پژوهشگران، این حزب اولین حزبی بود که در ایران برخلاف اصول و مبانی حزبی در تمام جهان تشکیل می شد و در ایجاد آن از قدرت دولتی استفاده می شد.

لکن تنها سودجویان و قدرت‌پرستان نبودند که به آن حزب روی آوردند بلکه کلیه عناصر ارتجاع و دشمنان آزادی و تمام کسانی که تا دیروز در دامان "سید ضیا الدین" بودند، در صفوف "حزب دموکرات ایران" جای گرفتند و تحت لوای آن به مبارزه علیه آزادی پرداختند (جامی، ۱۳۸۱: ۴۰۴).

قوام اقداماتی برای رفاه کارمندان دولت انجام داد که باعث افزایش محبوبیت وی شد. در نتیجه این اقدامات بسیاری از کارمندان دولت نیز به "حزب دموکرات ایران" پیوستند (عاقلی، ۱۳۷۴: ۶۲۱). او پس از تشکیل حزب دموکرات به جمع‌آوری نیرو پرداخت و در مدت کمی توانست گروهی از رجال سیاسی را گرد خود جمع کند. با توجه به تبلیغات وسیع حزب دموکرات، به‌زودی این حزب رونق یافت و در کل کشور شعباتی بوجود آورد. نظر به اینکه قوام بعنوان سیاستمداری استخوان‌دار اشتهار یافته بود، در میان طبقه متوسط مردم هم طرفدارانی داشت (تبریزینیا، ۱۳۷۷: ۲۷۱).

قوام در مردادماه ۱۳۲۵ ه.ش با دعوت از حزب توده و حزب ایران برای شرکت در کابینه، اقدام اساسی دیگری در جهت تحکیم پایه‌های دولت و منزوی ساختن نیروهای دست راست انجام داد. این اقدام گامی مهم در ادامه تشکیل حزب دموکرات ایران بود که سویه‌ای از آن خنثی کردن قدرت روزافزون حزب توده را مدنظر داشت. شرکت حزب توده در کابینه قوام، این امتیاز را از مدعیان رهبری طبقه کارگر و اصلاحات در ایران سلب می‌کرد که در مقام اپوزیسیون، دولت را به سستی در انجام اقدامات اصلاح‌طلبانه متهم کنند. بعلاوه حزب توده به اعتبار شرکت در کابینه، مسئول عدم تحقق این اصلاحات نیز محسوب می‌گردید (شوکت، ۱۳۸۵: ۲۴۸).

تشکیلات حزب دموکرات ایران در مدت کوتاهی در سراسر کشور بجز آذربایجان گسترش یافت. این روند تا بدانجا ادامه یافت که در تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۲۵ ه.ش با درج اطلاعیه‌ای در روزنامه اطلاعات به امضای موسوی‌زاده رئیس کل تشکیلات حزب، اعلام کرد که دیگر عضو جدید نمی‌پذیرد (طیرانی، ۱۳۷۶: ۵۰۲). در مهرماه به دنبال حملات جناح راست برنامه‌های قوام بهم خورد. این حمله‌ها عبارت بودند از: شورش‌های عشایری در جنوب ایران، آشوب در ارتش به رهبری شاه و اعمال فشار قدرت‌های غربی و بویژه انگلیس. قوام این حوادث را به شرکت سران توده‌ای در کابینه نسبت داد. وی برای پیشگیری از بالاگرفتن تنش در کشور اقداماتی چند انجام داد. وزرای وابسته به حزب

توده و ایران را برکنار ساخت؛ فرمان‌ها و طرح‌های بلندپروازانه همچون اصلاح قانون کار و ... را کنار گذاشت؛ بسیاری از مخالفان پیشین را آزاد نمود و چپ‌گرایان را از سمت‌های دولتی کنار گذاشت. افزون بر این در آذرماه به ارتش دستور داد که به آذربایجان و کردستان حمله کند. حکومت‌های خودمختار پس از دو روز جنگ تقاضای صلح نمودند و بسیاری از آنان تسلیم یا به شوروی گریختند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۹۵).

الف- اهداف و برنامه‌های حزب دموکرات ایران

قوام در نطق انتخاباتی خود در ۵ آبان‌ماه ۱۳۲۵ ه.ش در رادیو تهران؛ انگیزه خویش را از تشکیل حزب، وحدت کامل میان طبقات بویژه کلیه آزادی‌خواهان و تعلیم آزادی و دموکراسی در مکتب حزب اعلام نمود. مرانامه حزب در رقابت با برنامه‌های اصلاحی و مترقیانه حزب دموکرات آذربایجان و حزب توده، از اصول اصلاح‌طلبانه و مترقی مانند تساوی حقوق زن و مرد و حق شرکت زنان در انتخابات عمومی و ... مشحون گردید (فصیحی و نوری امیرآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۱). برنامه حزب دموکرات خواستار اصلاحات وسیع اقتصادی، اجتماعی و اداری بود. این حزب وعده "تجدیدنظر اساسی در نیروهای امنیتی کشور یعنی ارتش، پلیس و ژاندارمری" را داد. همچنین تقسیم اراضی دولتی، حق رایزنان، انجمن‌های ایالتی پیش‌بینی شده در قانون اساسی، ریشه‌کن ساختن بیکاری، برگزاری مجدد انتخابات کدخدایان روستاها و ساختن درمانگاه‌ها و مدارس و طرح‌های آبیاری در روستاها را مطرح کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۱۱).

برنامه‌های اعلام شده توسط حزب که نمودی اصلاح‌طلبانه داشت، بیشتر در جهت افزایش روزافزون جایگاه حزب مطرح شد. علاوه بر این، حزب دموکرات با اعلان برنامه‌های اصلاح‌طلبانه خویش، بیش از هر چیز پیروزی در انتخابات مجلس پانزدهم را مدنظر داشت (شوکت، ۱۳۸۵: ۲۴۵). علاوه بر این، قوام با مطرح نمودن این برنامه‌ها، زمینه را برای همکاری جریان‌های مدافع اصلاحات در کشور تقویت می‌کرد و نیز نیروهای راست مدافع دربار را منزوی می‌ساخت. قوام السلطنه به قول خود برای ایجاد اتحاد میان آزادی‌خواهان و تسریع روند اصلاحات ترقی‌خواهانه، تشکیل حزب دموکرات ایران را اعلام نمود. هدف دیگر قوام از تشکیل حزب دموکرات این بود که می‌خواست خود را نماینده طبقات متوسط و پایین معرفی کند. وی با تشکیل حزب سیاسی، اطرافیان خود را

منسجم‌تر و پایگاه شخص خود را در رأس دولت مستحکم‌تر می‌ساخت (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۲۲۴). حزب جدید، برنامه‌های مهمی را برای نمایش قدرت در سراسر کشور تدارک دیده بود. برای حزب، سازمان‌های وسیع و شعبات متعدد و برای کارگران، زنان، دهقانان، دانشجویان و سایر اقشار جامعه برنامه‌هایی تدارک دیده بودند که هر روز به‌صورت رسمی اعلان و در مناطق مختلف کشور گشایش می‌یافت.

قوام آیین‌نامه حزب را طوری نوشت که هم احزاب چپ و جناح‌های روسی را راضی نگه دارد و هم اینکه منافع حامیان حزب یعنی طبقات بالا، مالک و متمدول با خطر مواجه نشود. حزب دموکرات که بدنبال کسب قدرت کامل و بدون رقیب بود، در ادامه سازماندهی اولیه و تشکیلات حزبی، به ایجاد سازمان‌های دیگری از جمله اتحادیه سندیکاهای کارگران و کشاورزان ایران تحت عنوان "اسکی"، گارد نجات ملی و بالاخره سازمان مخفی و جاسوسی اقدام کرد. اسکی، تشکیلات کارگری وابسته به حزب دموکرات ایران بود که از سوی مهندس خسرو هدایت و مهندس شریف امامی تشکیل شده بود (تربتی سنجابی، ۱۳۷۵: ۱۰۵). این اتحادیه در تنش‌های سیاسی دهه بیست و رویارویی با اتحادیه‌های کارگری وابسته به حزب توده و جریان‌ات چپ نقش فعالی داشت. تنش‌های درون حزبی و کشمکش بر سر قدرت و تسلط کامل بر حزب در اسکی هم وجود داشت.

پس از تشکیل حزب دموکرات بزرگ‌ترین مشکلی که برای قوام پیش آمد، تأمین مخارج حزب بود. او مایل نبود از بودجه نخست وزیری مخارج این حزب دولتی را تأمین کند. وی پس از بررسی کامل اوضاع و احوال به این نتیجه رسید که مبلغی در حدود پنجاه میلیون ریال برای این کار لازم است. از این رو با فروش چند پروانه برای صدور برنج، جو و ورود چای قسمت اعظم این اعتبار را تأمین نمود (عاقلی، ۱۳۷۷: ۴۳۷). مبلغ جمع‌آوری شده با فروش این پروانه‌ها از منابع عمده درآمد حزب دموکرات ایران بوده است. مبلغی نیز از افرادی که بعنوان کاندیدای مجلس معرفی می‌شدند، دریافت می‌گردید و یا از افراد سرشناس گرفته می‌شد (فرهنگ، ۱۳۲۷: ۴۳۷). درآمدهای حزب دموکرات و چگونگی هزینه‌ها راه سو استفاده را برای عده‌ای گشود و از این طریق درآمدهای هنگفتی را نصیب خود کردند. روزنامه‌های مخالف قوام، صورتی از میزان سو استفاده‌های مالی قوام و همکارانش را منتشر کردند از جمله فهرستی از چند فقره

جوازهای مالیاتی را که به نفع حزب دموکرات و ظاهراً با تصویب هیئت دولت صادر شده بود. احمد آرامش مدعی بود که این قضیه با هماهنگی یکی از سفارتخانه‌های خارجی صورت گرفته بود (آرامش، ۱۳۳۶: ۱).

عباس میلانی نویسنده کتاب "نگاهی به شاه"، در مورد حزب دموکرات قوام چنین می‌نویسد: «نوع تشکیلات و ترکیب حزب بیشتر از جنس احزاب توده‌گرا و پوپولیستی بود - که معمولاً در دولت‌های اقتدارگرا دیده می‌شود - نه از نوع حزبی برخاسته برای مشارکت در مبارزات پارلمانی (میلانی، ۲۰۱۳: ۱۵۱). البته برخلاف احزاب دولتی، حزب دموکرات در فضای متکثر آن سال‌ها ناگزیر بود به رقابت با دیگر احزاب پردازد و قدرتی بلامنازع و انحصاری محسوب نمی‌شد. در عین حال تأسیس این حزب به افزایش یکباره مشارکت سیاسی بخش گسترده‌ای از طبقات جامعه از قبیل زنان انجامید (فصیحی و نوری امیرآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). اما مهم‌ترین نتایج و آثار وجودی حزب دموکرات، شکست حزب توده بود. اصولاً بایستی گفت علت اصلی تأسیس حزب دموکرات، مقابله با قدرت حزب توده بود. تأسیس حزب دموکرات توسط قوام تلاشی بود برای گرفتن پرچم اصلاح‌طلبی از دست چپ‌ها. بعلاوه قوام امید داشت از این طریق بتواند بخش گسترده‌ای از افکار عمومی از جمله گروهی از محافظه‌کاران را که احتمالاً با اصلاحات او همراه بودند، جلب کند. قوام با تشکیل حزب خود که به نحوی رندانه حزب دموکرات ایران در مقابل حزب دموکرات آذربایجان نامیده می‌شد، امید به آن داشت که با ادعای حزب توده در این مورد که نماینده طبقات پایین جامعه و تنها حزبی است که هواخواه اندیشه‌های ترقی‌خواهانه است، مقابله کند. ایجاد حزب دموکرات ایران همچنین تلاشی بود از سوی قوام که با استفاده از موقعیت خود بعنوان نخست‌وزیر، یاران و وابستگان خود را متشکل ساخته و از حضور گروهی منسجم و وسیع در مجلس آینده اطمینان حاصل کند (عظیمی، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

ب- حزب دموکرات ایران و مجلس پانزدهم (۱۳۲۶-۱۳۲۸ ه.ش)

پس از بازپس‌گیری آذربایجان و کردستان توسط ارتش و حل موضوعات دیگر در کشور، زمینه برای برگزاری انتخابات مجلس پانزدهم فراهم گردید. در واقع پیروزی در انتخابات مجلس پانزدهم، اوج موفقیت حزب دموکرات ایران بود. بخش عمده انتخابات

مجلس پانزدهم در زمستان ۱۳۲۵ ه.ش به انجام رسید. حزب دموکرات قوام اساساً از طریق اعمال کنترل بر تشکیلات دولتی و شبکه‌ای که در سطح کشور گسترده بود، توانست اکثر کرسی‌های مجلس پانزدهم را نصیب خود کند. در تهران کلیه نمایندگان از حزب دموکرات برگزیده شدند (عظیمی، ۱۳۷۲: ۲۲۰). انتخابات شهرستان‌ها به‌کندی پیش می‌رفت، ولی در هر نقطه‌ای که حزب دموکرات ایران نامزد معرفی کرده بود، نامزدش رأی آورد. سرانجام مجلس پانزدهم در ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶ ه.ش با نطق افتتاحیه شاه کار خود را آغاز کرد (عاقلی، ۱۳۷۴: ۶۲۸). به محض اینکه مجلس پانزدهم گشایش یافت، چنانکه انتظار می‌رفت به سه فراکسیون اصلی تقسیم شد. حزب دموکرات با هشتاد کرسی اکثریت را در دست داشت. بیش از یک‌سوم این هشتاد نفر زمانی توسط رضاشاه زندانی شده بودند. سلطنت‌طلبان با نام اتحاد ملی سی و پنج کرسی را در اختیار داشتند. گروه هواداران انگلیس به تعداد بیست و پنج نفر، سومین فراکسیون بزرگ را تشکیل می‌دادند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۱۹).

نمایندگانی که راهی مجلس پانزدهم شدند همگی از دیدگاه‌هایی برخوردار بودند که سختی با تفکر چپ‌گرایی و مارکسیستی نداشت. اکثریت آنان حکومت کمونیستی را برای منافع خود و بعضاً برای کشور خطرناک می‌دیدند (عاقلی، ۱۳۷۱: ۲۵۶). از نخستین روزهای گشایش مجلس، چهره آن نمایان گردید. اولین کشمکش بر سر تصویب اعتبارنامه‌ها آغاز شد. با تلاش‌های قوام، ریاست فراکسیون دموکرات به بهار و ریاست مجلس به سردار فاخر حکمت رسید (عاقلی، ۱۳۷۴: ۶۳۱). هر روز که به عمر مجلس پانزدهم اضافه می‌شد، فراکسیون دولتی تقلیل پیدا می‌کرد و بر تعداد مخالفان قوام افزوده می‌شد (عاقلی، ۱۳۷۴: ۶۳۴). قوام به دلیل شتابی که برای تضعیف حزب توده و شاه داشت، افراد متفاوت و مخالف بسیاری را به درون حزب آورده بود. مثلاً اشراف زمین‌داری چون حکمت، امینی و فرمانفرما و روشنفکران رادیکالی چون بهار و ارسنجانی و کارخانه‌دارانی چون نیک‌پی، نمازی و ... و بسیاری گروه‌های ناهمگون دیگر در حزب دموکرات گرد هم آمده بودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۰۰).

به مرور زمان، اختلافات در درون حزب دموکرات نمایان گشت؛ کسانی که به مواهب قدرت در داخل حزب دست نیافتند یا شور و حرارت خود را برای فعالیت‌های حزبی از دست دادند یا آنکه به رقابت با همکاران یا توطئه علیه آنان و شخص قوام روی

آوردند. بازتاب تنش‌های درونی حزب قوام در هیئت دولت نیز نمایان شد و وزیران ستیزه‌جو برای پیشی گرفتن از یکدیگر به تلاش پرداختند. بین اعضای کابینه اختلافات شدیدی پیش آمد. تضادهای درونی حزب باعث ایجاد شکاف در آن شد. این اختلافات به درون مجلس نیز سرایت نمود. هنگامی که فراکسیون حزب برای نخستین بار تشکیل جلسه داد، اکثریت اعضا بدون توجه به توصیه‌های قوام تصمیم گرفتند تا در رأی دادن به اعتبارنامه نمایندگان، نه به صورت گروهی بلکه بر اساس آگاهی فردی خود عمل کنند. با شدت گرفتن اختلافات، بسیاری از نمایندگان از حزب کناره گرفتند. این اختلافات و کناره‌گیری‌ها اکثریت قوام در مجلس را از بین برد. در اواخر مهرماه، هنگامی که قوام پس از تعلل زیاد پیشنهاد امتیاز نفت شمال به شوروی را به مجلس تقدیم کرد، اکثریت پرشماری از دموکرات‌ها به مخالفان پیوستند و قرارداد را رد کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۰۱).

در این میان کودتایی داخلی در حزب دموکرات رخ داد و یک کمیته اجرایی موقت در مخالفت با کمیته‌ای که شخص قوام تأیید کرده بود، انتخاب گردید. افزون بر آن، پایگاه پارلمانی دولت یعنی فراکسیون دموکرات به دو بخش متخاصم تجزیه شد؛ یکی مرکب از نمایندگان وفادار به قوام به رهبری بهار و دیگری مرکب از نمایندگان تحت سرکردگی سردار فاخر حکمت که در مقابل قوام قرار داشتند. حکمت همچنین حدود سی نماینده "مستقل" را با خود همراه ساخت و بدین ترتیب رهبری یک جناح ضد قوام شامل بیش از شصت نماینده را در دست گرفت. گفته می‌شود حکمت با کناره‌گیری خود از حزب دموکرات، حدود بیست نماینده را که در حوزه‌های کرمان و فارس به انتخاب آنان کمک کرده بود از چنگ حزب دموکرات بیرون آورد. در هر صورت دو هفته پس از آنکه حکمت از حزب دموکرات کناره گرفت، دولت قوام سقوط کرد (پیرانی و پیرانی، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

در ۱۳ آذر ۱۳۲۶ه.ش اکثر وزیران قوام به تشویق دربار، استعفای خود را به شاه تقدیم داشتند و بدین ترتیب آخرین امید قوام به باقی ماندن بر مسند قدرت بر باد رفت. اعضای جناح مخالف با گردآمدن در مجلس و طرح نیاز دولت به رأی اعتماد، بلافاصله حالت تهاجمی به خود گرفتند. از ۱۱۲ نماینده حاضر در جلسه رأی اعتماد؛ ۳۶ نفر رأی مخالف، ۴۵ نفر رأی موافق و ۳۱ نفر رأی ممتنع دادند. بدین ترتیب دولت قوام نتوانست

رأی اعتماد از مجلس بگیرد و سقوط کرد. با رفتن قوام، شکاف‌های بیشتری در بین دموکرات‌ها پدید آمد. هنگامی که سازمان جوانان حزب استقلال خود را از "زمین‌داران محافظه‌کار" عضو کمیته مرکزی اعلام کرد، کمیته مرکزی حزب نیز این سازمان را به دلیل "انحرافات فوق‌چپ‌گرایانه" اخراج کرد و "بهرام"، روزنامه وابسته سازمان را به دلیل انتشار مقاله‌ای افشاگراییانه با عنوان "ثروتمندان چپاول‌گر" به باد انتقاد گرفت. همچنین کمیته مرکزی اسکی را اخراج کرد زیرا اعضای اسکی به‌زور وارد کمیته مرکزی شده بودند تا دارایی‌های حزب را تصرف کنند. بدین ترتیب با این اقدامات عملاً حزب دموکرات منحل گردید و طرح بلندپروازانه قوام برای ایجاد سازمان سیاسی منضبط و حتی احتمالاً یک دولت تک‌حزبی راه به جایی نبرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۰۳).

پ- تحلیل عوامل افول حزب دموکرات قوام بر اساس تئوری نهادمندی

احمد آرامش (۱۲۸۷ یزد-۱۳۵۲ تهران)، در خاطرات خود انگلیسی‌ها را عامل اختلاف در بین اعضای حزب دموکرات و متلاشی شدن حزب دموکرات می‌داند. وی علت اقدامات انگلیسی‌ها علیه قوام را مبارزاتی می‌داند که قوام علیه انگلیسی‌ها انجام داد (میرزا صالح، ۱۳۶۱: ۲۵۲). احمد قوام نیز بر این عقیده بود که عامل سقوط دولت وی و اختلاف میان اعضای حزب دموکرات، انگلیسی‌ها بودند (میرزا صالح، ۱۳۹۱: ۲۹۹). فخرالدین عظیمی درباره حزب دموکرات و اختلافات درونی آن چنین می‌نویسد: «نمایان‌ترین ویژگی حزب ساختار دزدسالارانه آن بود. حزب مزبور از طریق سوءاستفاده از قدرت و اختیارات نخست‌وزیر و دستگاه دولت بوجود آمده و برقرار بود با این هدف که سلطه طایفه سیاسی قوام را بر قدرت بگستراند. علی‌رغم ظاهر منسجم سازمانی، اعلام نظرهای مسلکی، وجود بخش‌های کارگری، دانشجویی و زنان، شعبات محلی گسترده و ساختمان‌های عریض و طویل، حزب دموکرات از نظر سازمانی به همان اندازه شکننده بود که از نظر عقیدتی فاقد شکل و هویت. این حزب عملاً چیزی فراتر از حاصل تلاش در گستراندن و سازمان‌دهی شتاب‌زده پیروان ناهمگون قوام نبود.

حزب دموکرات دستگاهی بود که توزیع غنائم دستاوردهای انتخاباتی، یعنی کرسی‌های پارلمانی و سایر مقام و موقعیت‌های مادی و نمادی را بین اعوان و انصار قوام، ممکن می‌کرد. اکثر اینان فرصت‌طلبانی بودند که از پیوندهای خود با قوام صرفاً برای

کسب کرسی‌های مجلس استفاده کردند و پس از دستیابی به هدف وی را رها ساختند " (عظیمی، ۱۳۹۱: ۳۰۵). رضازاده شفق نماینده مجلس و دوست قوام نیز در مورد حزب دموکرات چنین می‌نویسد: «قوام با سرعت عجیبی ظرف چند هفته یک حزب قوی به وجود آورد ... و اولین ندای نفاق در میان رؤسای آن به حکم روح انفرادی و عناد و خودکامی که تو گویی در سرشت ما هست بلند شد. حزب دموکرات ایران با قوام آمد و با قوام رفت» (رضازاده شفق، ۱۳۳۴: ۱۱۲).

در اینجا می‌شود با استفاده از نظریه هانتینگتون به میزان نهادمندی حزب دموکرات پی برد. همانگونه که در قسمت‌های قبل گفته شد معیارهای نهادمندی در نظریه هانتینگتون عبارتند از: تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام نهادها. نخستین معیار در نظریه هانتینگتون، تطبیق‌پذیری است. با شروع مجلس پانزدهم و با بروز نخستین بحران، نشانه‌های اختلاف در بین اعضای حزب پدید آمد. در مدت زمانی کوتاه، بسیاری از اعضای حزب به جرگه مخالفین آن پیوستند. در نهایت این اختلافات باعث سقوط دولت قوام و در نهایت فروپاشی سازمان حزب دموکرات ایران شد. در نتیجه می‌توان گفت که حزب دموکرات فاقد معیار تطبیق‌پذیری بوده است.

دومین معیار نهادمندی در نظریه هانتینگتون، پیچیدگی است. به‌رغم آنکه ظاهراً حزب دموکرات دارای شاخه‌های استانی، ناحیه‌ای، امور مربوط به زنان، دهقانان، جوانان و ... بود، ولی همه این شاخه‌ها بسرعت به‌واسطه جایگاه قوام بعنوان نخست وزیر ایجاد گردید. در واقع سرعت گسترش حزب متکی به قوام بود و همانگونه که مشاهده شد با سقوط قوام این سازمان با شعبات گوناگون آن بسرعت متلاشی گردید. پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که این حزب فاقد خصیصه پیچیدگی بوده است.

سومین معیار نهادمندی در آرای هانتینگتون، درجه استقلال است. واقعیت این است که حزب دموکرات ابتکار قوام جهت بسط سلطه سیاسی خویش و جلوگیری از نفوذ روزافزون حزب توده و سایر احزاب سیاسی دیگر بود. علی‌رغم برنامه‌های گوناگون حزب دموکرات که در مرامنامه آن عنوان شده بود، مقصود اصلی از تشکیل حزب دموکرات تحکیم قدرت قوام بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که این حزب فاقد سومین معیار نهادمندی نیز بود. علاوه بر همه موارد ذکر شده، به عقیده هانتینگتون قدرت نهادی یک حزب در صورتی اثبات می‌شود که پس از کناره‌گیری یا مرگ رهبر فرهمندی که

نخستین بار حزب را تأسیس و به قدرت رسانده است، آن حزب همچنان پابرجا بماند. در مورد حزب دموکرات ملاحظه گردید که پس از برکناری قوام از قدرت، حزب دموکرات نیز از هم فروپاشید و از میان رفت. پس با توجه به موارد گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که حزب دموکرات ایران فاقد خصیصه‌های یک حزب نهادمند بوده است.

نتیجه‌گیری

سال‌های بین شهریور ۱۳۲۰ ه.ش تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه.ش از مقاطع حساس و مهم در تاریخ معاصر ایران است. در این دوران، در پی فروپاشی حکومت مطلقه رضاشاه و اشغال ایران توسط متفقین، یک فضای باز سیاسی در ایران شکل گرفت. همین امر منجر به رشد قارچ‌گونه احزاب و تشکل‌های سیاسی در مملکت گردید. حزب دموکرات ایران نیز یکی از این احزاب بود که توسط احمد قوام، نخست وزیر وقت ایران، بوجود آمد. به جز جبهه ملی که مجموعه‌ای از احزاب ناسیونالیست (و بعضاً مذهبی) بود و در اواخر این دوره قدرت را در دست گرفت، تنها تشکل دیگری که در این دوره دوازده ساله بر مسند قدرت قرار گرفت، حزب دموکرات ایران بود. حزب دموکرات یکی از احزاب شاخص این دهه به شمار می‌رفت که مشخصاً به هیچ‌یک از سه جریان فکری چپ، ناسیونالیست و مذهبی تعلق نداشت بلکه متکی به شخصیت بنیان‌گذار خود، احمد قوام مرد قدرتمند چند دهه از تاریخ کشور بود. این حزب همراه با جبهه ملی و حزب توده سه تشکل حزبی مقتدر دهه ۱۳۲۰ ه.ش را تشکیل می‌دادند. اوج قدرت حزب در انتخابات مجلس پانزدهم بود که این حزب توانست اکثر کرسی‌های مجلس پانزدهم را به خود اختصاص دهد. ولی این موفقیت چندان طولانی نبود و این حزب پس از سقوط قوام راه زوال را بتدریج پیمود و در اندک زمانی از میان رفت. عدم نهادمندی حزب دموکرات با توجه به معیارهای ذکر شده توسط هانتینگتون (از قبیل فقدان تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و فروپاشی آن پس از سقوط دولت قوام) و ساختار نامتجانس آن، باعث شد که این حزب نتواند نقش یک حزب در معنای واقعی خود را ایفا کند.

حوادث مربوط به فروپاشی حزب دموکرات ایران و بسیاری از احزاب دیگر تأثیرات مخربی بر روند توسعه سیاسی در ایران برجای گذاشت. ناپایداری و عدم ثبات احزاب سیاسی از یک طرف و افزایش قدرت شاه از سویی دیگر باعث گردید مردم نسبت به

مشارکت در امور سیاسی دلسرد شوند. این روند علی‌الخصوص پس از کودتای ۲۸ مرداد تشدید گردید. پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه.ش بسیاری از گروه‌های سیاسی به این نتیجه رسیدند که امکان هرگونه گفتگوی مسالمت‌آمیز با حکومت محمدرضا شاه پهلوی منتفی است، از این‌رو جهت سرنگونی حکومت پهلوی به مبارزه مسلحانه روی آوردند. اصولاً در تاریخ معاصر ایران به دلایل گوناگونی از قبیل استبداد و ساختار مطلقه قدرت، بدبینی و ناآگاهی عمومی نسبت به جایگاه احزاب، ضعف جامعه مدنی و نبود یا کمبود تجربه مشارکت سیاسی، وجود احزاب دستوری و وابسته به دولت و فقدان تحولات بنیادی در فرم‌اسیون اجتماعی از عوامل و موانع شکل‌گیری احزاب و فرایند مشارکت سیاسی در تاریخ معاصر ایران هستند. یک نظام حزبی نیرومند باعث گسترش دامنه اشتراک سیاسی و خنثی نمودن فعالیت‌های سیاسی نابهنجار شده و باعث ثبات سیاسی در کشور می‌گردد. امید است که مسئولان محترم با بررسی آسیب‌شناسانه فرایند ناپایداری احزاب در تاریخ معاصر ایران، شرایط لازم برای فعالیت آزادانه احزاب در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورند. در مورد ریشه‌های اجتماعی-فرهنگی ناپایداری احزاب در تاریخ معاصر ایران تحقیقات کمی صورت پذیرفته است. امید است که پژوهشگران محترم در این مورد تحقیقات جامعی بعمل آورند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Masoud Akhavan
Kazemi



<https://orcid.org/0000-0003-4129-9689>

Shohreh Pirani



<https://orcid.org/0000-0001-8287-2600>

Shahram Pirani



<https://orcid.org/0000-0003-2637-7175>

منابع

- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، تهران: نشر مرکز.

- آرامش، احمد، (۱۳۳۵)، «رجال کشور با شما سخن می‌گویند»، مجله خواندنی‌ها، سال هفدهم، شماره ۴.
- آرامش، احمد، (۱۳۳۶)، «گریه کردن قوام در یک جلسه سری»، مجله فردوسی، سال نهم، دوره دهم، شماره ۳۴.
- اسماعیلی، خیرالله، (۱۳۷۹)، *احزاب سیاسی ایران از مشروطیت تا کودتای ۲۸ مرداد*، کرمانشاه: انتشارات طاق‌بستان.
- برزین، سعید، (۱۳۷۸)، *جناح‌بندی سیاسی در ایران*، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- پسیان، نجفقلی و معتضد، خسرو، (۱۳۷۹)، *معماران عصر پهلوی*، تهران: نشر ثالث و آتیه.
- پیرانی، شهرام و پیرانی، شهره، (۱۳۹۵)، *فراز و فرود حزب دموکرات ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات تنزیل.
- تبریز نیا، حسین، (۱۳۷۷)، *برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران*، چاپ اول، تهران: نشر سیاوش.
- تربتی سنجابی، محمود، (۱۳۷۵)، *قربانیان باور و احزاب سیاسی ایران*، تهران: انتشارات آسیم.
- طیرانی، بهروز، (۱۳۷۶)، *اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۳۰-۱۳۲۰)*، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- جامی، فرید (۱۳۸۱)، *گذشته چراغ راه آینده است*، چاپ سوم، تهران: انتشارات نیلوفر.
- حسینی، حسین، (۱۳۷۸)، *حزب و توسعه سیاسی*، تهران: نشر آمن.
- خزایل، حسن، (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران در دوره پهلوی*، تهران: انتشارات دبیر و سمیر.
- دوورژه، موریس، (۱۳۹۵)، *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، چاپ دهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- رضازاده شفق، صادق، (۱۳۳۴)، *خاطرات مجلس و دموکراسی چیست*، تهران: بینا.
- سردارنیا، خلیل‌الله، (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی نهادینه‌شدن و ناکامی‌های حزب در ایران در سده اخیر (از ۱۲۸۵ش/۱۳۲۸ق و ۱۹۰۸ میلادی تاکنون)»، پژوهش‌های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم/انسانی - دانشگاه اصفهان، سال پنجاهم، دوره جدید، سال ششم، شماره چهارم (پیاپی ۲۴)، صص ۴۳-۵۶.
- سریع‌القلم، محمود، (۱۳۸۶)، *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- سریع القلم، محمود، (۱۳۸۰)، *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی در ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- شوکت، حمید، (۱۳۸۵)، *در تیررس حادثه، زندگی سیاسی قوام السلطنه*، تهران: نشر اختران.
- عاقلی، باقر، (۱۳۷۴)، *نخست وزیران ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات جاویدان.
- عاقلی، باقر، (۱۳۷۷)، *میرزا احمدخان قوام السلطنه در دوران قاجاریه و پهلوی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات جاویدان.
- عظیمی، فخرالدین، (۱۳۹۱)، *بحران دموکراسی در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی) و بیژن نوذری، تهران: نشر آسیم.
- فرهنگ، علی (۱۳۲۷)، «از کتاب پرده‌ها را بالا می‌زنیم»، *روزنامه فرمان*، ۱۳۲۷/۱/۱۶، دوره سوم، شماره ۲۰.
- فصیحی، سیمین و نوری امیرآبادی، مریم، (۱۳۸۹)، «نقش دوگانه حزب دموکرات ایران در مشارکت سیاسی زنان»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*، سال بیستم، شماره ۶، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- کاظمی، علی اصغر، (۱۳۷۶)، *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران: نشر قومس.
- دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی کشور (۱۳۷۹). *مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی: تحزب در ایران، مبانی نظری و آموزه‌ها*، چاپ اول، تهران: انتشارات همشهری.
- مدیرشانه چی، محسن و زارعی، علی، (۱۳۹۴)، *حزب دموکرات ایران و تحولات دهه ۱۳۲۰*، تهران: انتشارات چاپخش.
- میرزا صالح، غلامحسین، (۱۳۶۹)، *خاطرات سیاسی احمد آرامش*، اصفهان: انتشارات جی نشر.
- میرزا صالح، غلامحسین، (۱۳۹۱)، *خاطرات سیاسی قوام السلطنه*، تهران: معین.
- میلانی، عباس، (۲۰۱۳)، *نگاهی به شاه*، تورنتو: نشر پرشین.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۷۸)، *حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز*، تهران: نشر دادگستر.
- نوذری، حسینعلی، (۱۳۸۱)، *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی*، تهران: نشر گسترده.
- نوذری، عزت‌الله، (۱۳۸۰)، *تاریخ احزاب سیاسی در ایران*، شیراز: انتشارات نوید.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۰)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا الف، (۱۳۷۷)، *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷*، چاپ چهارم، تهران: نشر پیکان.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا ب، (۱۳۷۷)، *صحنه‌هایی از تاریخ معاصر ایران*، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات علمی.

References

- Aqeli, Baqer, (1995), *The Prime Ministers of Iran from the Constitution to the Islamic Revolution*, Second Edition, Tehran: Javidan Publications. [In Persian]
- Aqeli, Baqer, (1998), *Mirza Ahmad Khan Ghavam Al-Saltanah during the Qajar and Pahlavi Eras*, Second Edition, Tehran: Javidan Publications. [In Persian]
- Aramesh, Ahmad, (1956), *The Men of the Country Talk to You*, Reading Magazine, Year 17, Number 4. [In Persian]
- Aramesh, Ahmad, (1957), *Crying Consistency in a Secret Meeting*, Ferdowsi Magazine: Year 9. [In Persian]
- Azimi, Fakhreddin, (2012), *The Crisis of Democracy in Iran*, Translated by Abdolreza Houshang Mahdavi and Bijan Nozari, Tehran: Asim Publishing. [In Persian]
- Barzin, Saeed, (1999), *Political Faction in Iran*, Fourth Edition, Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Collection of Articles of the Party and Political Development: The Party in Iran, (2000), *Theoretical Foundations and Doctrines*, First Edition, Tehran: Hamshahri Publications. [In Persian]
- Culture, "Raising the Curtains from the Book", (1956), Farman Newspaper, 1956/4/11, Number 20, Third Volume.

- Shanehchi, Mohsen and Zarei, Ali, (1991), *Democratic Party of Iran and the Developments of the 1320s*, Tehran: Chapakhsh Publications. [In Persian]
- Doorjeh, Morris, (2016), *Principles of Political Science*, Translator: Abolfazl Ghazi, 10th Edition, Tehran: Amirkabir Publishing Institute.
- Fassihi, Simin and Nouri Amirabadi, Maryam, (2010), “The Dual Role of the Democratic Party of Iran in Women's Political Participation”, *Quarterly Journal of the History of Islam and Iran*, No. 6, Year 20, pp 107-128. [In Persian]
- Hosseini, Hossein, (2000), *Party and Political Development*, Tehran: Amen Publishing. [In Persian]
- Houshang Mahdavi, Abdolreza A, (1998), *Iran's Foreign Policy During the Pahlavi Era 1300-1357*, Fourth Edition, Tehran: Peykan Publishing. [In Persian]
- Houshang Mahdavi, Abdolreza B, (1998), *Scenes from the Contemporary History of Iran, Collection of Articles*, Tehran Scientific Publications. [In Persian]
- Huntington, Samuel, (1991), *Political order in Societies undergoing Change*, Translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Alam Publishing. [In Persian]
- Jami, (2002), *The Past is the Light of the Future*, Third Edition, Tehran: Niloufar Publications. [In Persian]
- Kazemi, Ali Asghar, (1997), *The Crisis of Modernity and Political Culture in Contemporary Iran*, Tehran: Qoms Publishing. [In Persian]
- Khazail, Hassan, (2009), *History of Iran in the Pahlavi Period*, Tehran: Dabir and Samir Publications. [In Persian]

- Mirza Saleh, Gholam Hossein, (1991), *Political Memoirs of Ahmad Aramesh*, Isfahan: Ji Nashr Publications. [In Persian]
- Mirza Saleh, Gholam Hossein, (2012), *Political Memoirs of the Sultanate*, Tehran: Moin. [In Persian]
- Naqibzadeh, Ahmad, (1999), *Political Party and its Performance in Today's Societies*, Tehran: Dadgostar Publishing. [In Persian]
- Nozari, Ezzat Allah, (2001), *History of Political Parties in Iran*, Shiraz: Navid Publications. [In Persian]
- Nozari, Hossein Ali, (2002), *Political Parties and Party Systems: Extensive Publication*. [In Persian]
- Pesyan, Najafgholi & Motazedeh, Khosrow, (2000), *Architects of the Pahlavi Eera*, Tehran: Third and Atieh Publishing. [In Persian]
- Pirani, Shahram and Pirani, Shohreh, (2016), *Farazofroud of the Democratic Party of Iran*, First Edition, Tehran: Tanzil Publications . [In Persian]
- Rezazadeh Shafaq, Sadegh, (1955), *What are the Memories of Parliament and Democracy*, Tehran: Bina. [In Persian]
- Sardarnia, Khalilollah, (2014), “Analysis of the Cognitive Society of Non-Institutionalization and Party Failure in Iran in the Recent Century from 1285 AH/1328 AH to 1908 AD”, *Historical Research, Faculty of Literature and Humanities - University of Isfahan*, Fiftieth Year, New Course, Sixth Year, Fourth Issue 24 consecutive, pp. 43-56. [In Persian]
- Sari al-Qalam, Mahmoud, (2001), *Rationality and the Future of Development in Iran*, Tehran: Center for Scientific Research and Strategic Studies in the Middle East. [In Persian]
- Sari al-Qalam, Mahmoud, (2007), *Iranian Political Culture*, Tehran : Research Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian]

بررسی نهادمندی حزب دموکرات ایران (قوام) بر اساس آرای ساموئل هانتینگتون | اخوان کاظمی و همکاران | ۶۵

- Shaukat, Hamid, (2006), *In the Wake of the Incident, The Political Life of Ghavam Al-Saltanah*, Tehran: Akhtaran Publishing. [In Persian]
- Tabriznia, Hossein, (1998), *Some Causes of Instability of Political Parties in Iran*, First Edition, Tehran: Siavash Publishing. [In Persian]
- Tirani, Behrooz, (1997), *Documents of Iranian Political Parties (1941-1951)*, Volumes I and II, Tehran: Publications of the National Documents Organization of Iran. [In Persian]
- Torbati Sanjabi, Mahmoud, (2000), *Victims of Belief and Political Parties of Iran*, Tehran: Asim Publications. [In Persian]
- Abrahamian, Yervand, (1998), *Iran between two Revolutions, from the Constitution to the Islamic Revolution*, Translated by Kazem Firoozmand, Hassan Shamsavari and Mohsen Modir Shanehchi, Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Ismaili, Khairullah, (2000), *Iranian Political Parties from Constitutionalism to the Coup d'etat of 28 August*, Kermanshah: Bostan Arch Publications. [In Persian]
- Milani, Abbas, (2013), *A Look at the King*, Toronto, Canada: Persian Publishing. [In Persian]
- Pellizzo, Riccardo, (2003), *Cartel Parties and Cartel Party Systems*”, *Unpublished Ph.D Dissertation*, John Hopking University, Baltimore, MD. [In Persian]

استناد به این مقاله: اخوان کاظمی، مسعود، پیرانی، شهره، پیرانی، شهره، شهرام. (۱۴۰۱). «بررسی نهادمندی حزب دموکرات ایران (قوام) بر اساس آرای ساموئل هانتینگتون»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۱(۴۰)، ۳۹-۶۵.
doi: 10.22054/QPSS.2022.59940.2818